

تاریخ عصر غیبت

پیش زمینه های غیبت امام زمان

در آستانه غیبت صغرا حوادثی رخ می دهد که شرایط این دوره را روشن تر می کند. خلفای عباسی که برای حفظ حکومت خود، فعالیت امامان شیعه را محدود می کردند از زمان امامت امام رضا علیه السلام روشی جدید را در پیش گرفتند. سیاست مأمون عباسی چنین بود که با نزدیک ساختن امام رضا علیه السلام به دربار و محدود کردن آن امام، حضرتش را تحت نظارت و مراقبت کامل خود قرار دهد و نیز بین آن حضرت و شیعیانش جدایی و فاصله بیندازد.

همین شیوه ظالمانه را خلفای بعد در مورد امام هادی و امام عسکری علیهما السلام اجرا کردند و این دو بزرگوار به شهر سامراء که در آن دوره، مرکز حکومت عباسیان بود جلب شدند و در تمام مدت زندگی تحت مراقبت و کنترل شدید قرار گرفتند. دسترسی شیعیان به آن دور بزرگوار بسیار سخت و گاهی همراه با خطر جانی برای امام و شیعیانش بود و به همین سبب ارتباط شیعیان با آن دو امام در بیشتر موارد به وسیله وکلای ایشان بود.

در چنین شرایطی ولادت امام مهدی صلی الله علیه و آله و سپس غیبت آن حضرت واقع شد.

غیبت صغرا، آغاز و انجام آن

غیبت امام مهدی علیه السلام شامل دو دوره کوتاه و بلند است. دوره ی کوتاه غیبت همزمان با شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق شروع شد و به هنگام در گذشت «علی بن محمد سمری» آخرین نایب خاص حضرت در سال ۳۲۹ ق پایان یافت.

شهادت امام عسکری علیه السلام و نماز بر آن حضرت

سرانجام، در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق امام عسکری علیه السلام به دست معتمد عباسی به شهادت رسید و شیعیان را عزادار کرد. جمعیت بسیاری برای تشییع و خاکسپاری آن حضرت، جمع شدند. عثمان بن سعید عمروی کار غسل و کفن و دفن امام را عهده دار هنگام نمازگزاردن بر بدن امام، جعفر برادر امام عسکری علیه السلام که مدعی امامت بود، خواست نماز بخواند؛ ولی ناگهان امام مهدی علیه السلام ظاهر شد و فرمود: «تاخر یاعم فأنا احق بالصلاة علی ابی؛ ای عمو عقب بایست. من شایسته ترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم». پس از پایان نماز، امام مهدی علیه السلام به درون رفت و هر چه مأموران خلیفه عباسی در پی او جست و جو کردند او را نیافتند و این، آغاز غیبت امام مهدی علیه السلام بود.

داستان سرداب مقدس

در خانه امام عسکری علیه السلام، سردابی وجود داشته که در روزهای گرم، ساکنان خانه در آن سرداب به سر می بردند. نیز این سرداب، محل عبادت سه امام بزرگوار یعنی امام هادی و امام عسکری و امام

مهدی علیه السلام بوده است؛ به همین سبب محل مذکور، پیوسته مورد احترام شیعیان قرار داشته و آن را از مصادیق این آیه می شمرده اند که:
(فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ)

برخی از نویسندگان اهل سنت نوشته اند که مهدی در تمام دوره غیبت، بدون آب و غذا در سرداب به سر می برد و از آنجا ظهور خواهد کرد و شیعیانش در کنار سرداب چشم به راه ظهور اویند! ولی حقیقت این است که هیچ یک از بزرگان شیعه چنین باوری نداشته و چنین سخنی نگفته و ننوشته است. علامه امینی قدس سرّه می نویسد:

... شیعه اعتقاد ندارد که امام در سرداب مقدس پنهان شده و از همان جا ظهور خواهد کرد؛ بلکه با احادیث تأیید شده معتقد است که از کنار کعبه ظهور می کند... آن سرداب، خانه امامان در سامراء بوده است و از آن رو شرافت پیدا کرده که به سه تن از امامان بزرگوار، منسوب شده است.

بنابراین در جریان غیبت امام مهدی علیه السلام، سرداب مقدس سامراء جایگاهی ندارد و جالب اینکه گزارشی که درباره سرداب نقل شده است، نه در آغاز غیبت، بلکه نوزده سال پس از شروع غیبت بوده است: در سال ۲۷۹ ق همزمان با خلافت معتضد عباسی، خلیفه سه نفر را مخفیانه به خانه امام عسکری علیه السلام فرستاد و فرمان داد که هر کس را در آن خانه یافتند بکشند. آن ها به خانه وارد شدند و اتاقی یافتند که پرده ای زیبا داشت. هنگامی که پرده را بالا زدند، گویی دریایی پر از آب دیدند که در انتهای آن، مردی روی حصیری مشغول نماز بود. وارد آب شدند؛ ولی نزدیک بود غرق شوند و با اضطراب خارج شدند و بازگشتند.

اختلافات فرقه ای پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

در روایات فراوان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بشارت ظهور آخرین حجت الهی آشکارا مطرح شده بود و عباسیان قیام این موعود الهی را مخالف با جریان حکومت ظالمانه خود می دانستند؛ به همین دلیل می کوشیدند به خیال خود از عملی شدن این خبر غیبی جلوگیری کنند. آنان به همین منظور، خانه امام عسکری علیه السلام را در کنترل شدید قرار دادند، تا اگر فرزندی برای آن حضرت متولد شد، او را شهید کنند.

امام حسن عسکری علیه السلام که در شرایط سخت و سنگینی به سر می برد، امور امامت و رهبری شیعه را پنهانی انجام می داد. آن حضرت به ویژه امر مهم جانشینی پس از خود و جریان ولادت مهدی علیه السلام را مخفی نگه داشت؛ به همین دلیل بود که در زمان حیات امام عسکری تنها گروه اندکی از شیعیان خاص، از ولادت حضرت مهدی علیه السلام آگاه شدند. جوّ اختناق و نیز ولادت پنهانی امام دوازدهم از یک سو و ادعای امامت جعفر - برادر امام عسکری - از سوی دیگر، سبب حیرت و سرگردانی گروه هایی از شیعیان شد؛ به گونه ای که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، چهارده فرقه در میان شیعه به وجود آمد که در اعتقاد به امام دوازدهم به انحراف رفتند؛ (۸) ولی مهم این است که با تلاش اصحاب امام عسکری علیه السلام و خواص شیعه و نایبان خاص و علمای شیعه، امر ولادت امام مهدی علیه السلام برای شیعیان روشن

و مسلم شد و شیعیان به امامت آن حضرت، گردن نهاده‌اند. به همین سبب، آن تفرّق و پراکندگی به وحدت و یکپارچگی تبدیل شد و از آن فرقه‌ها و گروه‌ها، تنها نام و تاریخچه‌ی در کتاب‌ها به جای ماند؛ به گونه‌ای که بزرگ پرچمدار شیعه شیخ مفید رحمه الله که در نزدیکی همان دوره می زیسته، می نویسد:

در این سال - یعنی سال ۳۷۳ ق - و در زمان ما، دیگر هیچ اثری از این گروه‌ها باقی نمانده است و همه از بین رفته‌اند.

بنابر این شبهه افکنی بعضی از مخالفان مبنی بر اختلاف شیعه بر سر امامت دوازدهمین امام و ولادت او، یک جوسازی و داستان پردازی دروغین بیش نیست و گواه بر این مطلب، وحدت و یکپارچگی شیعه در جهان امروز بر امامت امام دوازدهم مهدی موعود عجل الله تعالی و فرجه شریف است.

نایبان چهارگانه‌ی امام مهدی علیه السلام

در دوره غیبت صغرا، رابطه‌ی شیعیان با امام غائب به کلی قطع نشد؛ بلکه آن حضرت، چهار نفر از بزرگان و خواص شیعه را که همگی از عالمان و پارسایان بودند، نایب خاص خود قرار داد. (۱۰) مناسب است به اختصار درباره زندگی این بزرگواران و ملاک انتخاب ایشان و سمت نیابت و وظایف و مسئولیت‌های آن‌ها در دوران نیابت و نیز کیفیت ارتباط ایشان با شیعیان، بحث کنیم.

نایب اول؛ عثمان بن سعید عمری

او نخستین نایب امام مهدی علیه السلام است که به زیّات و سَمّان (= روغن فروش) معروف بوده؛ زیرا فعالیت‌های سیاسی - مذهبی خود را در پوشش این کار انجام می داد. (۱۱) عثمان بن سعید از جوانی خدمت‌گذار چند امام بود. وی وکیل امام هادی علیه السلام و در ده سال آخر امامت آن حضرت، رهبر سازمان وکالت (۱۲) و رئیس وکلای امام عسکری بود. تمام وجوهات پیروان امام عسکری علیه السلام به او تحویل می شد. (۱۳) و سپس وکیل ویژه و نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شد.

شیخ طوسی در این باره می نویسد:

احمد بن اسحاق بن سعد قمی می گوید:

روزی به محضر امام هادی علیه السلام رسیدم و گفتم: «من گاهی غایب و گاهی حاضرم [= یعنی گاهی در اینجا هستم و گاهی در نقطه دور دستی هستم] و نمی توانم مسایل شرعی خود را از شما بپرسم. وقتی که حاضرم، همیشه نمی توانم به حضور شما برسم. سخن چه کسی را بپذیرم و از چه کسی فرمان ببرم؟» امام فرمود: «این ابو عمرو [عثمان بن سعید عمری] فردی موثق و امین است. او مورد اعتماد و اطمینان من است. آنچه به شما می گوید، از جانب من می گوید و آنچه به شما می رساند از طرف من می رساند.»

بعد از شهادت امام هادی علیه السلام در یکی از روزها به نزد پدرش امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و همان مطلب را از ایشان پرسیدم. آن حضرت همان پاسخ امام عادی علیه السلام را تکرار

کرد و فرمود: «این ابو عمرو [عثمان بن سعید عمری] مورد اعتماد و اطمینان امام پیشین و نیز مورد اطمینان من در زندگی و پس از مرگ من است. آنچه به شما بگویم، از جانب من می گوید و آنچه به شما برساند، از جانب من می رساند».

این سخن در میان شیعیان شایع شد و آن ها او را با عظمت یافتند. امام عسکری علیه السلام درباره او فرمود: «گواه باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و پسرش محمد نیز وکیل پسر من مهدی خواهد بود».

پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام، همین «عثمان بن سعید عمری بود که مراسم غسل دادن و کفن دادن و خاکسپاری آن حضرت را عهده دار شد. این خود بر مقام والای «عثمان بن سعید» دلالت می کند.

او بعد از رحلت امام عسکری علیه السلام از سامرا به بغداد رفت و در منطقه کرخ (محل سکونت شیعیان) ساکن شد و در آنجا تا پایان زندگی، امور نیابت را سرپرستی کرد: برخی گفته اند: در گذشت او قبل از سال ۲۶۷ ق روی داد.

نایب دوم؛ ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری

او پس از وفات پدرش، عثمان بن سعید به جای او نشست و به وکالت و نیابت خاص از سوی امام عصر علیه السلام منصوب شد. محمد بن عثمان نیز همانند پدرش، از نظر تقوا و موقعیت اجتماعی مورد قبول و احترام خاص شیعیان بود. در بزرگی شخصیت او همین بس که امام عسکری علیه السلام درباره او و پدرش به احمد بن اسحاق قمی، چنین فرمود:

عمری و پسرش - محمد بن عثمان -، هر دو امین و مورد اعتماد من هستند. آنچه به تو برسانند از جانب من می رسانند و آنچه به تو بگویند از طرف من می گویند. سخنان آنان را بشنو و از آنان پیروی کن؛ زیرا این دو نفر مورد اعتماد و امین من هستند.

به علاوه امام حسن عسکری علیه السلام پیشاپیش از نیابت او، به شیعیان خبر داده بود، آن گاه که فرمود: شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و پسرش محمد وکیل فرزند مهدی علیه السلام است. محمد بن عثمان پس از حدود چهل سال نیابت، در سال ۳۰۵ ق در گذشت؛ در حالی که با راهنمایی امام مهدی علیه السلام دو ماه پیش از مرگش از زمان وفاتش خبر داده بود.

نایب سوم؛ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

او از طایفه بنی نوبخت قم است که در زمان نخستین نایب امام به بغداد مهاجرت کرد. حسین بن روح پیش از در گذشت نایب دوم از ناحیه مقدسه به نیابت منصوب شد و توسط نایب دوم به خواص شیعیان و وکیلان حضرت مهدی علیه السلام معرفی شد. او پس از در گذشت محمد بن عثمان در سال ۳۰۵ ق نیابت را به عهده گرفت.

درباره شخصیت او بعضی نوشته اند که از اصحاب امام عسکری علیه السلام بوده و در میان شیعیان بغداد موقعیت اجتماعی خوبی داشته است؛ به ویژه که وی در زمان سفیر دوم، یکی از کارگزاران او بوده و در سال های آخر سفارتش، به عنوان سر وکیل و واسطه بین او و دیگر وکیلان و ناظر بر اموال محمد بن عثمان منصوب شده است.

ام کلثوم دختر محمد بن عثمان می گوید:

حسین بن روح سال های طولانی وکیل محمد بن عثمان و ناظر بر املاک او بود و اسرار او را به سران شیعه می رساند و از نزدیکان خاص وی بود...

بدین سبب حسین بن روح در قلوب شیعیان، جایگاه والایی یافت... و فصل و امانتش همه جا منتشر شده بود... و من یک نفر شیعه را نمی شناسم که درباره وکالت او شک داشته باشد.

شیخ صدوق از محمد بن علی اسود روایت می کند که گفت:

من اموالی از موقوفات را که در اختیار داشتیم پیش محمد بن عثمان می بردم. در روزهای آخر عمرش، وقتی برای تحویل اموال نزد او رفتم، دستور داد تا آن ها را به حسین بن روح تحویل دهم.... سپس فرمود: «آنچه به دست حسین بن روح می رسد، مانند این است که به دست من می رسد».

در زمان سفارت سفیر سوم تا حدودی شیعیان آزادی داشتند و حسین بن روح نیز در بین مقامات حکومتی، موقعیت ویژه ای داشت؛ بنابراین نایب سوم به دلیل این جایگاه به دستگیری از شیعیان مستمند می پرداخت و حتی گاهی به سفارش او مشکل مادی بعضی از علویان به وسیله وزیر عباسی حل می شد. سرانجام، نایب سوم پس از ۲۱ سال نیابت در شعبان ۳۲۶ ق در گذشت.

نایب چهارم؛ ابوالحسن علی بن محمد سمری

او در سازمان وکالت شیعه به حسن سابقه مشهور بود و گذشته نیکو و امانت داری او سبب شد جایگاه والایی در میان شیعیان و به ویژه وکلای امام عصر علیه السلام یابد و آن گاه که او از سوی امام مهدی علیه السلام به نیابت خاصه منصوب شد، مورد قبول و پذیرش همه قرار گرفت.

نایب چهارم از خانواده ای متدین و پیرو اهل بیت علیهم السلام بود؛ به گونه ای که بسیاری از خاندان او نیمی از درآمد املاک خود را وقف امام حسن عسکری علیه السلام کردند و آن اموال را به صورت سالانه برای آن حضرت، می فرستادند.

سمری مدت نیابتش کوتاه بود و شرایط زمانش، شرایط خاص سیاسی بود؛ به همین سبب، فعالیت های او به آیندگان نرسیده است. مهم ترین حادثه در نیابت او، پایان یافتن دوره غیبت صغرا و نیابت خاصه است که با صدور توقیعی از سوی امام انجام گرفت.

شش روز قبل از در گذشت علی بن محمد سمری، توقیعی صادر شد که زمان مرگ وی را پیش گویی کرد و خبر داد که دیگر نایبی نیست و با مرگ او دوره غیبت کبرا آغاز خواهد شد.

شیخ صدوق به نقل از ابومحمد، حسن بن احمد مکتب می نویسد:

ما در سال وفات ابوالحسن، علی بن محمد سمری در مدینه السلام [= بغداد] بودیم و چند روز قبل از در گذشت او به حضورش رسیدیم. او توقیع حضرت را به ما نشان داد و ما از روی آن نوشتیم و از نزدش بیرون شدیم.

چون روز موعود فرا رسید، نزد سمری رسیدیم و او را در حالت احتضار مشاهده کردیم. به وی گفتند: «پس از تو چه کسی نایب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟» گفت: «خدا را مشیتی است که خود انجام خواهد داد» [یعنی دوره غیبت صغرا به پایان رسیده است و کسی در دوره غیبت کبرا نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست و این خود از مشیت الهی است]. این مطلب را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

ملاک های گزینش نایبان خاص

امام هادی و امام عسکری علیهما السلام وکلای زیادی در شهرهای مختلف داشتند. این سؤال مطرح است که از میان آن همه وکیل مورد اعتماد، نایبان خاص چه ویژگی هایی داشتند که سبب انتخاب آن ها از سوی امام به سمت نیابت شد؟

بررسی تاریخ زندگی و ارتباطات و فعالیت های نایبان چهارگانه نشان می دهد که آن بزرگواران، از علم و ایمان و تقوای بالایی برخوردار بودند و به علاوه ویژگی های مهم دیگری داشتند که از این قرار است:

الف. تقیه و پنهان کاری

نایبان امام به سبب شرایط ویژه و تهدیدهایی که برای امام و نیز شیعیان و پیروان آن حضرت وجود داشت به شدت مراقب ارتباطات خود با امام و نیز شیعیان بودند. عثمان بن سعید نایب اول، در مباحث و جدال های مذهبی یا سیاسی شرکت نمی کرد تا موقعیت مهم و جایگاه نیابت او مورد توجّه حاکمان واقع نشود. نایب سوم حسین بن روح از روی تقیه در مجلسی از خلفای راشدین به نیکی یاد کرد و بالاتر، اینکه یکی از خادمان خود را به دلیل لعن کردن معاویه، اخراج نمود. این گونه رفتارها در جایگاه تقیه و برای حفظ جایگاه نیابت و ارتباطات مربوط به آن انجام می گرفت.

ب. استواری و مقاومت

از آنجا که امام مهدی علیه السلام هدف مهم و اصلی دشمن بود و نایبان بهترین راه دسترسی به آن حضرت بودند، می بایست انسان هایی استوار و مقاوم باشند تا دشمن نتواند از مسیر آن ها به امام، گزند برساند. در همین راستا برخی از ابوسهل نوبختی پرسیدند: «چگونه به جای تو، حسین بن روح، به نیابت رسید؟» او گفت: «امامان بهتر می دانند که چه کسی برای نیابت لیاقت دارد. من با مخالفان مناظره می کنم و اگر آنچه را حسین بن روح درباره مهدی علیه السلام می داند می دانستم، شاید در مقام بحث برای اثبات وجود امام، محل اقامت او را آشکار می کردم؛ ولی حسین بن روح چنان است که اگر امام را در زیر عبای خود داشته باشد، او را نشان نخواهد داد؛ گرچه بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند».

ج. زیرکی و درایت

چون نیابت امام غائب، موقعیت بسیار مهمی بود که حساسیت دشمن را به دنبال داشت، هر یک از نمایان چهارگانه می کوشیدند با مدیریت درست و عمل هوشمندانه، از حساسیت دستگاه حاکم در برابر فعالیت ها و ارتباطات نیابت، جلوگیری کنند؛ به همین منظور، عثمان بن سعید و نیز فرزندش محمد بن عثمان به «روغن فروش» معروف بودند و در پوشش یک شغل مرسوم و متداول اجتماعی، کار نیابت را انجام می دادند. نایب سوم حسین بن روح نیز با نفوذ در دستگاه حاکم و به عهده گرفتن پست دولتی از حساس شدن دستگاه درباره ی خود جلوگیری کرد. آنان هرگز نمی پنداشتند که وی با امام غایب در ارتباط باشد.

شیوه ارتباط شیعیان با نمایان خاص

چنان که پیش تر بیان شد به دلیل دشمنی حاکم عباسی با امام زمان علیه السلام جریان نیابت آن حضرت، امری آشکار و علنی بود؛ به ویژه در اوائل غیبت صغرا و نیابت نایب اول، شیعیان از طریق وکلا که نمایندگان نمایان بودند با آن ها ارتباط داشتند؛ یعنی مردم، خواسته ها یا سوالات خود را با وکیلان مطرح می کردند یا وجوہات شرعی خود را به ایشان می سپردند و وکیلان، آن ها را به سفیر و نایب امام علیه السلام منتقل می کردند و پاسخ در خواست ها نیز با واسطه به دست مردم می رسید. محمد بن عثمان در بغداد، ده وکیل داشت که حسین بن روح از جمله آن ها بود. این ها به ظاهر وکلای نائب دوم در امور تجاری بودند؛ ولی در واقع برای سازمان وکالت شیعه فعالیت می کردند.

گفتنی است در کنار رابطه غیرمستقیم، عده ای از افراد مورد اعتقاد، امکان ارتباط مستقیم با شخص نائب را نیز پیدا می کردند و خواسته های خود را بی واسطه با او در میان گذاشته، پاسخ را نیز از نایب دریافت می کردند که مواردی آنها را شیخ طوسی رحمة الله بیان کرده است. (۳۴) این گونه ارتباط بیشتر از زمان نیابت دومین نایب امام، به وجود آمد.

وظایف و مسئولیت های نمایان در غیبت صغرا

دوران غیبت، دوران حساسی است؛ به ویژه که در میان امت اسلام و شیعیان اهل بیت علیهم السلام سابقه نداشته است؛ به همین دلیل لازم بود با تدبیری حکیمانه از پیامدها و عوارض احتمالی آن، پیش گیری شود و امت امام برای غیبتی طولانی آماده گردند.

نایبان امام کوشیدند تا در دوره غیبت صغرا این رسالت مهم را به خوبی به انجام رسانند.

بنابراین آن ها دو گونه مسئولیت داشتند که به توضیح آن دو می پردازیم:

الف. وظایفی که درباره امام غایب وجود داشت. این وظایف، عبارتند از:

۱. از بین بردن شک و تردید درباره وجود مهدی علیه السلام

با توجه به جو اختناق و ولادت پنهانی امام مهدی علیه السلام، و نیز غیبت آن حضرت، گروه هایی از شیعیان درباره وجود فرزندی برای امام عسکری علیه السلام در شک و حیرت به سر می بردند و بعضی

نیز با عقاید باطل کشیده شدند. نایبان امام و به ویژه نایب اوّل، کوشیدند تا جریان ولادت و امامت آن حضرت را برای شیعیان اثبات کنند. این مهم به خوبی به انجام رسید؛ به گونه ای که در مدت کوتاهی، شک و تردیدها از میان رفت و عقیده ها شیعه به امامت مهدی علیه السّلام استوار و مسلّم شد.

۲. حفظ جان امام از راه پنهان کردن نام و مکان حضرت

نایبان خاص امام در همان حال که برای اثبات ولادت و امامت امام برای شیعیان، دلایل شواهد را بیان می کردند، از بردن نام آن حضرت و افشای مکان زندگی او خودداری کرده، شیعیان را نیز از این کار پرهیز می دادند؛ زیرا نام بردن سبب حساسیت دشمن و به خطر افتادن جام امام می شد. امام مهدی علیه السّلام در نامه ای به محمد بن عثمان، او را از بیان نام و نشان خود نهی فرمود. ب. وظایفی که در رابطه با امت امام وجود داشت که عبارتند از:

۱. سرپرستی و تقویت سازمان وکالت

از دوره امامان پیشین، جریان وکالت به وجود آمده بود و امامان علیهم السّلام در شهرهای مختلف مانند بغداد و سامرا و قم وکلایی داشتند که واسطه میان مردم و امام بودند. با شروع غیبت و نیاز بیشتر شیعیان به جریان وکالت، نایبان امام، سازمان وکالت را تقویت کرده، به دستور امام، خود در رأس آن قرار گرفتند، تا ارتباط شیعیان با امام غایب در قالب تشکیلاتی سالم و مطمئن و به دور از نفوذ عناصر خائن، انجام گیرد. چنان که امام مهدی علیه السّلام در نامه ای به محمد بن عثمان، بیزاری خود را از یکی از این، این گونه خائنان اعلام فرمود:

و ما از ابن هلال و هر کس که از او دوری نکند، بیزاریم. خدا او را نیامرزد! تو به اسحاقی و هموطنان او آنچه را گفتیم، اعلام کن.

۲. پاسخ گویی به شبهات اعتقادی و سوالات فقهی

از وظایف مهم نایبان، دریافت سوالات مردم و انتقال آن ها به محضر امام و نیز رساندن پاسخ کتبی و گاهی شفاهی (۳۸) آن حضرت به شیعیان بود که مجموعه آن ها در ضمن توقیعات امام زمان علیه السّلام در کتاب های روایی شیعه گرد آمده است.

از معروف ترین توقیعات، پاسخ های امام به سوالات اسحاق بن یعقوب است که در ضمن، آن شیوه ی بهره مندی از برکات امام در زمان غیبت با این عبارت آمده است:

و أمّا وجه الانتفاع فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس اذا غیبتّها عن الابصار السحاب؛

و اما چگونگی بهره مندی از من در زمان غیبتم، مانند بهره گیری از خورشید است، زمانی که ابرها آن را از دیدگان نهان کنند.

نیز در همین توقیع است که امام، شیعیان را در مسائل پیش آمده به فقهای شیعه ارجاع می دهد.

۳. دریافت وجوه شرعی متعلق به امام

پیش از غیبت صغرا و در زمان امامان گذشته، از کارهای مهم وکیلان، دریافت وجوه شرعی شیعیان و تحویل آن به امام هر زمان بود. نایبان خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در راستای این وظیفه، اموال شیعیان را به امام غایب می رساندند یا به دستور آن حضرت در مواردی مصرف می کردند. امام مهدی علیه السلام در جریان سفر هیأتی از شیعیان قمی به سامراء که همزمان با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و خاکسپاری آن حضرت بود، به ایشان دستور داد که از این پس اموال امام را به نایبان ایشان در بغداد تحویل دهند.